

C.

4121059

162

Wasīlatu'n-najāt.

(controversy, Shi'ite - Sunni).

C.

المسيلة النخاف

162

Luciani  
25.11.27

یا فتاح

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله على حمده والصلوة والسلام على حبه وحيد اللهم

یا مقلب القلوب ثبت قلوبنا علی وکتابت سبب تالیف

شخصی از ایشان که بعد از شیخ الفیث در است

استدعا نمود که چند کلمه در میان دلایل حقیقه فرقه ناجیه

باید نوشت بحکم الدین لصفحه اجاب است ان مسؤل کرده است

آمد و این رساله را وسیله التجات نامید شد و السلام

علی من اتبع الهدی . در میان این سنت و شعبه

کوفتگی بسیار واقع شده بنیان دعوی میکنند که

باین است و موافق قران و حدیث است و کتابهای

شیر

شعله همه باطل و اقرار است و مذہب اہلبیت نیست بلکه  
 مذہب اہلبیت همین است که میدانم و شیوہ ہم همین و نحو  
 میکند که قرآن مجید را بر سر راه و طریقہ ما طریقہ امام جعفر صادق  
 است و کتابهای سخنان را نیز مغتبر میکنند در سبب و در جواب  
 سخنانی از آیات قرآنی که در آن جای دم زدن کسی نیست  
 حجت منقطع کرده و باید نوشتند که طالبان راه کجاست  
 عمل نمایند و از بدی باطل دست بردارند ای برادر  
 اول بنای هر مذہبی را در یافتن و کتابهای هر فرقی  
 را یکسو کرد و در طاق بند و چون بر بنیای هر یکی واقف  
 شوی آن بنا را بر آیات و آرائی مطابق کن و سبای کدام  
 مذہب که محکم و استوار است از آن مذہب حق داشته کتابهای  
 آنها مخفی خوان و بعمل از بنای هر مذہبی که باطل یا بی کتابهای  
 آنها را در سادس شیطانی داشته در اب انداز و گردان  
 کرده و آنها را پاره پاره کن و نفس و آن که آن مذہب است  
 نیست بلکه مذہب شیطان است پس بدانکه بنای اہلبیت

برایمان و تقوی و صلاح درستی ابو بکر و عمر و عثمان و علی  
 و غیره مهاجرین و انصار و دیگر اصحاب سید المرسلین  
 صلی الله علیه و سلم که برار یکس بودند و همراه آن حضرت  
 در راه خدا جهاد و نماز بکنند و تائیدت حیات آنحضرت  
 پیش در نصرت و حمایت او بودند و بعد وفات آنحضرت  
 در خلافت خود عدل و انصاف در راستی کردند و حد  
 اهل بیت محمد و انبیا را آوردند و امیرالمومنین علی علیه السلام  
 با آنها نشست و برخاست نمود و همراه آنها با کفار جهاد  
 کرده و در پس آنها نماز خوانده و همیشه با آنها صحبت  
 داشته و بعد وفات آنها در حق آنها دعا می فرموده و بسیار  
 مدح و ستایش آنها بیان نموده و نیامی بدست شیوه بر کفر  
 و لفاق آورده بودند و بگرفتیم هم برای رهایی و طمع  
 دنیا کرده بودند و همه جهاد و عبادت آنها برای رهایی بود  
 نه برای خدای و بعد وفات آن حضرت با اهل بیت او اندک  
 رسانیدند و مرضی علی را یاری ه کردند و حق او نبود که

است و ایمان  
 طمع دنیا



3 و شایسته و نماز علی همراه اینها بنا بر خوف و تقه بود حتی که

علی و خضر طایره خود را در کفاح شهر برای تقیه داد و نام

پسران خود ابو بکر علی و عمر علی و عثمان علی هم برای تقیه

نهادند و صحابه مخلصین اندک بودند ابو ذر و مقداد و سلمان

و عمار و جابر و چند کس دیگر برای برادر چون بنای بنی نضیر

در یافتی پس بدانکه وکیل بنی نضیر اهل سنت است

قرانی بسیار اند و هر یک از آن برای اثبات احکام

ان بنا کافی است و بنا بر اختصار و فرین مقام چند است

نوشته می شود و قوله تعالی **وَالْمَسَاقِينِ الْأُولَى**

**مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ**

**اتَّبَعُواهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ**

و کما اولین اند از مهاجرین و انصار و آنکه پیروی و کسبت

سابقین کردند بنیکوی یعنی ایمان و طاعت راضی شد

خدا از آنها و راضی شدند و آنها از خدا و اعدای آنها است

مخبر می گشتها الانهار و مهیا کرد خدا برای آنها بهشت تا که

جاری اند ز پنهان با درختان اینها نیز **خالد بن**  
**فیهما** ابتدا این همه مهاجرین و انصار متابعت کنندگان  
 آنها در کثرت باشند همیشه این است هر ملازمی کند  
 که مهاجرین و انصار سابقین همه پیشی اند متابعت کنندگان  
 اینجا که بعد آنها بودند و بطریقه آنها اختیار کردند آنها هم پیشی  
 اند و شکست که ابو بکر صدیق **رضی الله عنهما** از مهاجرین اولین است  
 که وقت هجرت همراه پیغمبر بودند و عمر و عثمان و علی و سایر  
 دیگر از مهاجرین اولین اند و هر که ابو بکر را از مهاجرین اولین  
 نداند سبب الکفر است غار کافرمانند **الله تعالی**  
**اِذَا خَرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِي اثْنَيْنِ**  
**اِذْ هَمَّ فِي الْعَارِ اِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ**

معنا

**لَا تَكْرُنَ اِنَّ** چون بیرون کردند رسول خدا را کفار که  
 در حالیکه دویم در کس بود چون بودند در غار چون  
 رسول خدا صلی الله علیه و آله و صحابه و سلم می ایستادند که ابو بکر  
 صدیق **رضی الله عنهما** است اند و ممکن نشود بر کسی که خدا یا پادشاه

مذکور است

استقامت کنندگان آنها بواجب مهاجرین و انصار اند که بودند  
 ایمان آوردند و بجهت و نصرت کردند و حق تعالی درین امت  
 خیر داد و این سها همیشگی و در اوست خواهند بود پس ثابت شد  
 که ایشان قطعی هستند پس آنکه اینان را اهل بیتند از سبب  
 الکفار این است کافر است و اگر درین مقام شیطان باشد  
 و ترا و سوسه دهد که شاید مراد ازین آیه ان مهاجرین <sup>ناتشد</sup>  
 که شیعه در حق آنها حسن ظن دارند که بجهت آنها می بسند الله  
 بود و بجهت انو بگردن و غیره برای طمع دنیا بود از کوه  
 کوه ای اعمیس دروغ میگوید بلکه بجهت جمع مهاجرین برای  
 خدا نود و صد که در انبی که اهل بعد بجهت در باب قبائل نازل  
 شده **اِنَّ لِلَّذِينَ يَقْتُلُوْنَ بِاَسْمَائِهِمْ ظُلْمًا وَا**  
 اوین دو ستوری داده شد بجهت کردن کفار هر که  
 را که می خواهند کارزار کردن در این معنی مهاجرین را نسبت آنکه  
 آنها از دست کفار طایفه شده بود **وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰی ظُلْمِهِمْ**  
**لَقَدِيرٌ وَاِنَّ اللّٰهَ لَشَدِيْقٌ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ**

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا  
أَنْ يَقُولُوا رَبَّنَا اللَّهُ إِنَّهُمْ كَانُوا  
بِغَيْرِ حَقٍّ مَكَرًا كَمَا سَيُفْتَدِ أَنْهَاكَ بِمَزُودٍ كَمَا رَمَاكَ إِلَهُهُ يَسْمَعُ  
أَنَّهَا تَنْزِيلٌ بِمَكَرٍ كُنَاهِيَ لَيْسَ بِشَيْءٍ أَنْ يَقُولُوا كَرِهُوا  
شَيْئًا مَكَرًا فَقَطُّ لَيْسَ بِإِيمَانٍ لَهُمْ إِيذَانٌ يُسْمَعُونَ كَرِهُوا  
أَيْ تَنْزِيلُ شَيْءٍ كَنْجَرَتِ جَمِيعُ الْمُهَاجِرِينَ حَالَهُمْ اللَّهُ يَدْرِي  
لَهُمْ بِمَا يَطْمَعُ دُنْيَا لَيْسَ تَنْزِيلُ شَيْءٍ كَنْجَرَتِ جَمِيعُ الْمُهَاجِرِينَ رَحْمَةً مَغْفُورًا  
أَنَّهَا يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنَّهَا بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ  
شَيْءٍ كَنْجَرَتِ جَمِيعُ الْمُهَاجِرِينَ رَحْمَةً مَغْفُورًا أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ  
دَرْجَتِ بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ  
أَوْ دَرْجَتِ بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ  
وَمِنْ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ  
بَطْنِمْ وَأَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ  
أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ  
أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ أَنْ يَأْتِي بِرَأْسِهِ

این

الشمس

اعتراف جناب الهی کردن است گویا که اعتراف کننده  
 میگوید که این بنده بدست خدا او را جبر الهی میسازد  
 و ظاهراً است که اعتراف کردن درین مقام کفر است و بنده  
 را که خدا الهی خوانده است بلبه وی الهی است اعتراف  
 کسی در حق وی ضرر ندارد او را در زخمی نمی کند لیکن اعتراف  
 کننده وی کافر است پس این وجه تمام شبهات شیاطین  
 با قاطعیت و احتیاج نماید که جواب آن پرداخته شود اما  
 برای تسلی سائل رجم الشیاطین کرده شود پس اگر شیطان  
 بماند و نرسد و گوید کند که در سوره انفال در قصه بدر نازل شد

**يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
 زُحْمًا فَلَا تُؤَلُّوهُمُ الْأَدْبَارَ تَرْجُمَهُمْ أَيُّكُمْ**

ایمان آورده اند چون ملاقات کنند بکفار پشت بدینند  
 از حاکم کفار قوله تعا و من بولهم یومئذ زحماً

**الْأَحْبَارِ إِلَى قِيَّةٍ فَقَدْ بَاءَ بِقَضِيَّتِهِمْ وَبِكَرْبِهِمْ اللَّهُ وَمَا أَلَمَ**

از حاکم کفار مکرور و حالیکه بر کرده باشد برای جناب بانگاه از آن

از حاکم کفار  
 قوله تعا و من  
 بولهم یومئذ  
 زحماً

ازله

بسی جماعت مومنین پس کفین رجوع کرد و بخشی از خدا و جان  
او جهنم است و گویند که صحابه در جنگ احد و جین گرفته اند  
در جواب ادیکو در بدر که مقام نزول آیه است کسی گفته  
تلك هم ثابت قدم ماندند چنانچه حق تعالی میفرماید و لقد  
نصرکم اللہ ببدر <sup>سوره</sup> ترجمه آیت بدرستیکه نصرت داد  
شماره خدای تعالی در جنگ بدر و حال آنکه شما حواری بودید و در  
کفار رسب گفت و در قصه بدر فرمود **اذ یوحی ربک**  
**الی الملائکة انی معکم** ترجمه بادکن ای محمد

صلی الله علیه وسلم چون وحی میکرد و پروردگار را بسوی  
فرشتگان که بن با شما ام فتیتو الذین آمنوا  
قوله لقا ترجمه پس ثابت خوارید مومنان آیت مذکوره بر کفر  
ولالت نذار و مکه بر او که کفین از جنگ کفار حرام است و حق  
الله است اگر خواهد کشد و اگر خواهد عذاکند و بعدا چون در جنگ  
بدر قرار واقع شد حق تعالی از آن عفو فرمود **قوله لقا**  
**و لقد عفی الله** پس اعتراف ساقط شد و در روز جین اولاً  
قرار

سوره

نمودند تا چون عباس رها و از داد با عبا و اله بنار رسول الله  
 بنیادی او در آمدند و جنگ عظیم نمودند و توبه متحقق گشت و از  
 ایشان تا مران دین خدا بودند حق تعالی بموجب وعده خود  
 قوله تعالى **لَيُصْرَتَنَّ** الله **مَنْ يَنْصُرُنِي**  
 نصرت ایشان کرده و مدد غیبی از ملائکه برای ایشان فرستاد  
 و ثارت بزدل سکنه که خاصه یومنین کامل الایمان است  
 در باره ایشان نازل فرمود و چنانچه می فرماید قوله تعالى  
**لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللّٰهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيْرَةٍ** و ترجمه بدرستیک  
 نصرت داد شما را خدای تعالی در عروه های بسیار و چنین  
 می فرماید قوله **لَقَدْ اَنْزَلْنَا اِلَيْكَ اللّٰهُ سَكِيْنَةً** **عَلٰى رَسُوْلِكَ**  
**وَ عَلٰى الْمُؤْمِنِيْنَ** ترجمه بستر نازل فرمود خدا سکنه  
 و آرام خود را بر پیغمبر خود و علی البعلب و سلم و بر مؤمنان که  
 بنیادی عباس باز گشتند و الله تبارک ما فات کرده  
 قال شد نمودند قوله **لَقَدْ اَنْزَلْنَا جَنُوْدًا مِّنَ السَّمٰوٰتِ**  
 ترجمه و فرستادیم که برای ملائکه که شما ای صحابه پیشم خود دارید

یوم مؤمنان

انها را قوله عَذَابُ النَّارِ كَقُرْآنٍ كَرِيمٍ ترجمه و عذاب کرد  
و شکست و کفار را ای عزیز تا مل فرما که ای قهار رحمت  
ایلی دست بگیر حال انها باشد بر کما که مقتضای لثرت یغفرند  
فرشتگان برای اید اینها ایند و گفته ای در باره انها  
نزول یابد کار مسلمانان باشد که تمام آیات رحمت و معون  
را قرا بگویش کند و انها را بذف مطاعن سائر و معا و الله من  
خست الباطن و شر شیطان و شرکت باز اگر شیطان بیاید  
و شراد سوسه کند که شاید انها منافق باشند که در الوقت  
منافقان هم بودند چنانچه در قرآن مجید ذکر منافقان هم بسیار  
آمده و در جواب بگو که اری منافقان بودند لیکن منافقان  
از اعراب بودند یعنی و یقنان که مسکن انها کردید سینه بود  
یا بعضی از ساکنان بدنه و در اهل که یعنی مهاجرین و در انصار  
که ایمان و لهرت شان مرصوص است کسی منافق نبود چنانچه  
می فرماید قوله لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ أَخْرَجَهُمْ مِنَ  
و بعضی از اهل آن که در کرد و شامی باشند ای اهل مدینه از



با ویه شنیان منافقان اندوه تالی و میر اصل المدینه  
مرد و علی النفاق لا تعلمهم من لغزش

ترجمه و بعضی از اهل مدینه خالی شدند از نیکی در حالیکه جو کرده اند  
بر لفاق میدانی تو ای محمد صلی الله علیه و سلم انهارا اما که عالم  
بستم میدانیم انهارا بعد از آن حق تعالی انهارا هم منار

خیاخه میفرماید که تالی ما کان الله لیدر المؤمنین  
علی ما انت علیه حتی یما

المخبیات من الطیب ترجمه و نسبت دند

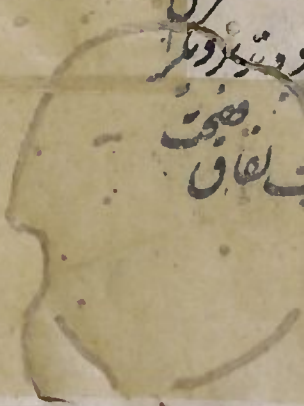
سند و خدای تعالی بد که گذارد و مؤمنان را بر حالیکه شما هستند  
بر آن یعنی مخفی کنند مؤمن و منافق تا که تمیز دهد و جدا کند بید را  
از پاک یعنی منافقان را از مؤمنان پس حق تعالی تمیز داد

و آن حضرت را از حال انهارا مطلع گردانید و آن حضرت

محمد لقب بن ایمان رضی الله عنه که صحابی است الطهار فرمود بر

وضعت در سوای پسران ایشان که مؤمنین مخلص بود و بزرگان

ظاهر کرد و اگر چه بسیاری از منافقان بسبب علامات لفاق



هم شدند و همه کس آنها را بود یافتند لیکن حق سبحانه تعالی بوی  
قبل ک در قرآن با او فرموده در حق آنها وعده شد ندیمان  
نموده بوی حسن طاهر شد در صحابه که اهل سنت در حق آنها  
حسن بعقاب و دارند کسی منافق نبود چنانچه حق تعالی در حق ایشان

می فرماید قوله تعالی **فَإِن يَتَّبِعُوا بَنِي إِسْرَائِيلَ**  
ترجمه پس اگر توبه کنند منافقان از منافقان خود باشند بهتر از ایشان  
و قوله تعالی **فَإِن يَتَّبِعُوا بَنِي إِسْرَائِيلَ**  
**فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ** ترجمه و اگر

روگردانند از توبه و بریفاق خود ثابت مانند عذاب کند  
خدا آنها را **عَذَابٍ سَعِيفٍ** در دنیا و آخرت **قوله تعالی**

**وَمَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ مِن دُونِي وَلَا يَضُرُّ**  
ترجمه و نباشد ایشان را در زمین هیچ باری و نه بدو کارهای معنی  
در زمین کسی باری آنها کند و حق تعالی در حق مهاجرین بر حلا  
این دلخ اوصاف حمیده می فرماید و بعده حضرت نمیدهد  
چنانچه در این سابق در باب اولی قتل در حق مهاجرین

خواندم لفظ اوله عالی و این الله علی نصرهم لقد یس  
 ترجمه بجزئی خدا برباری کرده و مهاجرین قادیان یعنی  
 آنها را یاری خواهد داد و بهم درین ایت و کرمین مهاجرین  
 میفرماید مودتانی و ینصران الله من ینصره  
 ترجمه والله باری خواهد داد و خدای تعالی کسی را که دین او را  
 باری دهد و شک نیست که حق سبحانه تعالی جمیع صحابه را که بعد  
 ان حضرت باقی ماندند خصوصاً خلفای راشدین را یاری  
 داد که تراز بر مردان و شرکان راستند و ملک کسری  
 قیصر و بریم زبوند و خلفای راشدین را تمام صحابه یاری کردند  
 پس معلوم شد که خلفای نله از مهاجرین می پسندد الله لند که  
 حق تعالی وعده نصرت که بمهاجرین داده بودند در حال  
 بود اتم راست کرد و معلوم شد که بواقعی اصحاب نیز نامان  
 دین خدا بودند و اگر منافق بودند کسی با دست آنها هم نمیکرد  
 و در زمین کسی یار و نصیر آنها نبود و نیز ظاهر شد که آنچه  
 مسکرت قرآن گویند که علی را بعد ان حضرت طلب خلافت نمود

و خانه بخانه مهاجرین و انصار برای قیام کردن حجت میباشند  
از آنها یاری او کرد و حمایت او نه نمود این سخن عثمان کفر صحیح  
کذب علی و انکار این است چه حق تعالی درین استعداده تصرف  
بمهاجرین کرده و تشکک نیست که امیرالمؤمنین علی رضی الله عنهما  
بطل است و محال است که او را کسی یاری نکردی پس بایست  
که اینکه این سخن کجاست یک مرتضوی است می کند دشمن  
احباب اند که است منافقان در حق او میجواید و میگویند  
قوله تعالی و ما لهم فی الاصل من من لیا و لا فیها  
نابیت شد که دوستان آن جناب الی سنت اند که او را  
تفاق میکنند بلکه میگویند که اگر احباب برای طلب خلافت  
برخواستنی و اراده آن داشتنی و از همه صلی الله علیه و سلم  
در حق خود شنیدی الله لصراف او ناندیشد و همه برای یاری  
او برخاستندی چنانچه وعده حق در باب مهاجرین ورود یافته  
پس معلوم شد که آن جناب خلافت صدیقی بر حق داشت  
منود و هدایت نامزد معین آنها بوده و الحمد لله علی نعمه باری که حق تعالی

در فضیلت منافقان چه می فرماید قوله تعالی لئن لم یلتکنه  
 المنافقون و الذین ینبئ الذین فی قلوبهم  
 مرض و امر من جفوت فی امل ینده امنا  
 لنعزینک بهم ثم لا یجاءونک فیها الا قلیلا ملعونین  
 ترجمه بر اینست انبیا که با منافقان از لفاق خود و اگر با منافقان  
 کس با نیک خبر بد می افکنند در مدینه از غیب شکر اسلام می فرمایند اگر  
 باز نیامند و توبه نکنند این بر سر کرده انبیا محسبام و مسلط  
 گردانم ترا ای محمد صلی الله علیه و سلم بر ایشان پس همسایه  
 تو نباشند و در مدینه اندک زمانه یعنی خود از شهر مدینه بیرون  
 روند حواری و راندگان قال الله تعالی ایما لقیقوا آخرو  
 و قتلوا قتیلاً ترجمه بر کجا که یافته شوند گرفته شوند  
 و کشته شوند شدنی بسیار ازین آیه ثابت شد که ایگه  
 توبه از لفاق نکردند در مدینه از آنها کسی نماید و آنها خوار شدند  
 و ملاک شدند و کشته شدند پس معلوم شد که تمام صحابه که بعد از  
 حضرت محمد صلی الله علیه و سلم باقی ماندند همه ناصران دین حق و خدا پرست

9  
 در اول آیه منافقان  
 و منافقان و از زبان منافقان

مکره

و اصحاب خلعن بودند پس از آنچه آنها بران اجماع و اتفاق  
کردند عین حق و بدایست نه ظلم و ضلالت چون تحت  
مناقضات شنیدی و صف مهاجرین هم برعکس این بشنو  
قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ  
بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً  
ترجمه و کما یکه هجرت کردند در راه خدا از پس آنکه ظلم کرده  
بر ایشان کفار مگر الله جاوید ایشان را و عده نیکو یعنی  
مدینه مطهره قَوْلُهُ تَعَالَى وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ  
ترجمه و بر اینه ثواب آخرت بزرگتر است یعنی برای ایشان  
اگر کسی تقوا ات ایمان داشته باشد همین یک است او را برای  
دفع تمام دساوس شیطانی کافیت چه حق سبحانه تعالی  
درین آیت در حق مهاجرین فی سبیل الله دو وعده کرده  
یکی در دنیا و دوم در آخرت و شک نیست که وعده دنیا لونا  
رسید و همه مهاجرین در مدینه جا گرفتند خصوصا خلفای ثلاثه که هم  
در حیات خود مهاجر بودند بعد وفات مهاجران مدفون گشتند

بسم الله الرحمن الرحیم

۱۰ شیخین بفرمودنوره رسالت پناه صلی الله علیه وسلم پیوستند  
و عثمان در بقیع رونق افرا کردید و اگر معاویه و منافق لودغری  
بحکم ایت سابقه که در ذکر منافقین خواندم حق تعالی رسول خدا  
را بر آنها مسلط کردی و آنها زود از مدینه بیرون شدند  
و گرفته شدند و کشته شدند بخواری در سوای کسی که  
سخن آنها هم نمی شنید چه جای امانت و خلافت پس شمشیر  
نصف النهار اضع و کلام شد که آنها مهاجرین می سبیل الله  
قطع پیشی از روز اذرت اجرو ثواب آنها بحکم و عده و دریم  
بزرگتر خواهد بود و همچنین دیگر صحابه حضرت صلی الله علیه و سلم  
که بعد وفات وی در مدینه باقی ماندند همه ناصران دین خدا بودند  
و کامل ایمان و اتفاق را بحکم ایت قرآنی گردانند راه نبود پس برض  
انها بعد از حضرت بران جز اتفاق و اجتماع کردند عن بدایت و با  
باشد و کار مسلمان نیست که با اینهمه فقرجات قرآنی بر کسی از آنها اعتراض  
کنند و مع ما باز اگر شیطان نباید و و کونه کند که شاید از آنها بعد  
علیه السلام وقت انحرار و علی جبری خلافت شریف ظهور آمده باشد

که بسبب آن شیوه در تشبیه افتاده اند در جواب او بگو که در روایت  
 بلکه بر چه آنها در ایام خلافت و قدرت خود کرده اند برای  
 اجرای احکام شرعی و از باب امر معروف و نهی منکر کرده اند نه  
 تعصت و فساد و چنانچه حق تعالی در وصف مهاجرین در آیت  
 سانی که در باب لوقی لقال خواندم می فرماید قَالَ اللَّهُ  
 لَعَلَّ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ فِي الْأَسْوَاقِ  
 مَوَالٍ مَمْلُوءَةً وَاللُّقُؤُ الزَّكَاةَ وَالْحُسْنَ وَالْحُسْنَ  
 وَتَهَوُّوا عَنِ الْمُنْكَرِ

ترجمه یعنی حال در وصف مهاجرین اینست که اگر ممکن و قدرت بهم  
 ایشان را در زمین بر پا دارند نماز را و بدهند زکوة را و امر کنند  
 دیگران را به احکام شرعی و نهی فرمایند از منکرات و خلافت  
 شریعت پس محال است که از مهاجرین در وقت افتد از و ممکن  
 ظلم و فساد و بطور اید بسببست کردن ظلم بر آنها انکار این  
 است بابت لغو و ثابله منه باز اگر کسی در سوره کند که در قرآن دارد  
 شده قَالَ اللَّهُ تَعَالَى يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا



مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنِّي فَسَوْفَ بَاتِي

اللَّهُ يَتَوَلَّى الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ  
اللَّهُ يَقُومُ بِحَبْرِهِمْ وَيُحْيِي قَوْلَهُ أَذَلَّتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

ترجمه ای که بنیکه ایمان آورده اند بریکه برگردند و فرزند شوهر  
ارستمان از دین خود پس رو ببات که سار و خدای تعالی  
یعنی غایم کنند برای قبایل مردمان قومی را که دوست ندارند  
انهارا و آنها دوست میدارند خدایا غیر بمان بر مؤمنان

عَلَيْهِ كَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ قَوْلَهُ لَتَعَالَى مُحَمَّدٌ وَمَنْ حَقَّقَهُ  
فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يُلْحِقُونَ الْكَافِرِينَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكُفْرَانِ

ترجمه که جهاد خواهند کرد و اقوام بگردان در راه خدا و خواهد  
ترسید از ملامت هیچ ملامت کننده و گویند که این آیت  
هم معنی دارد در خواب او بگو که درین آیت کمال است  
صدیق اکبر و غیره اصحاب رسول است صلی الله علیه  
و آله وسلم که آنها سگند از آب را در خلافت صدیق اکبر  
بگشتند و دیگر فرقه های اعراب که تفصیل آنها طول دارد  
و مرتد شده بودند و انکار زکوة میکردند همه آنها جهاد

کردند و اینها را به تنوع کشیدند و بسیاری از آنها باز  
اسلام آوردند و ازین ایت مهمت ارتداد و از اعمی  
بوجهی باطل شد که فوق آن متصور نیست چه اگر کسی از  
صحابه مرتد بودی معاذ الله و پیکر مومنان کامل الایمان  
با آنها جهاد کردند و اینها را یک تنه می و شک نیست  
که بخلفای تنگ نه کسی بزین کامل الایمان با آنها جهاد نکند  
بلکه عیار و ابوذر مومنان کامل الایمان محتاج  
و موافقت آنها کردند پس واضح است که اینها مومنان  
کامل الایمان و قطعی جنتی و از مهاجرین فی سبیل الله اند  
که در وصف آنها آیات تلاخصی وارد شده قال الله  
تَعَالَى وَاعْدِلْ لَهُمْ حَسَبَاتٍ حَسْرَى مِنْ حَسْبَاتِهَا  
حَسْبَاتِهَا الَانْهَاءُ حَسْبَاتٍ فِيهَا  
صفت شریف و ظاهر شد که تمام مهاجرین و انصار  
بر عین حق و کمال ایمان و اهدایت بودند و اجتماع و اتفاق  
شان موضع کو مقبول الهی است پس کسی را نیز اینها

طعن و تشنیع نمودن جایز نباشد بلکه شرف و روز  
و عافی مغفرت در حق آنها خواندن و وظیفه مسلمانان

است و هر که طعن و تشنیع کند و در حق آنها دعای خیر  
نکند و بنا نهادند دارد کافر است و از جماعه مسلمین

خارج میباشد حق تعالی مسلمانان را در قرآن بفرست  
فَمَنْ تَقِمْ وَتَمِمْ قَوْلَهُ لَعَالَىٰ لِلْفُقَرَاءِ الْمُهْمَلِينَ

حِرْتِ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ  
وَأَمْوَالِهِمْ لِيَبْتَغُوا فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا

مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا لَكُمْ فِي بَرَاءتِ اللَّهِ وَمَا يُبْغِي  
إِنَّ اللَّهَ يَخْتَصِمُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنِ هِيَ إِلَّا أُمَّةٌ

مِنْ أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ لِكُلِّ أُمَّةٍ أُمَّةٌ مَّوَدَّةً  
بَيْنَهُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ  
فِي الْوَسْطَةِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي لَا يَدْخُلُهَا الْكَافِرُونَ

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ  
فِي الْوَسْطَةِ الْعَظِيمَةِ الَّتِي لَا يَدْخُلُهَا الْكَافِرُونَ

وَأَمْوَالِهِمْ لِيَبْتَغُوا فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا

وَأَمْوَالِهِمْ لِيَبْتَغُوا فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا

الصَّادِقُونَ ان گروه ایشانند

راست بازان بنام در اقبال و هم در افعال قسم

ووم قوله تعالى و الذين آمنوا بالذات

و الايمان من قبلهم ترجمه و مال فی برای یک نیک

است که جا گرفتند در سفرانی کسرت و خانه ایمان یعنی

سفره پیش از هجرت مهاجرین قوله تعالى محبون

من اهل البیت ترجمه دوست میدارند کسی را

که هجرت کند لطف ایشان یعنی مهاجرین محبت دارند

قوله تعالى و لا یجدون فی صلواتهم

حاجته مما اولئوا ترجمه و نمی یابند الصاری

و دغدغه در سینه های خود از آنچه عطا داده شود ایشان

یعنی آنچه رسول کریم صلی الله علیه و سلم بایشان عطا

فرماید ایشان محضی می شوند و قبول میکنند قوله و

لعل و یوتروا علی انفسهم و لو کان بهم حاجة

ترجمه و انبار میکنند و مقدم میدارند الصاری مهاجران را

بر نفسهای خود و اگر چه هست بر ایشان حاجت یعنی  
اگر چه انصار هم حاجت بیمال دارند اما به سبب <sup>همه</sup> غلو

میخواهند که حاجات مهاجران روا گردد و تمام اموال  
بر ایشان قسمت **بِأَقْوَلِهِ تَعَالَى وَمَنْ تَوَلَّى**

**نَفْسِهِ وَاللَّيْلُ بِكُمْ** ترجمه و هر که لقا داشته شود از **المؤمنان**  
سختی نفس او پس آن کرده است **بِأَقْوَلِهِ تَعَالَى** با فیکان

ای عزیزان من **بِأَقْوَلِهِ تَعَالَى** انصار را در آن وقت  
محبت مهاجرین و خدمت آن بزرگواران **بِأَقْوَلِهِ تَعَالَى**

و همین سبب فلاح را و استایشان فرموده پس بر  
رأی نجات مغفرت و فلاح خود چنان منظور باشد

مانند انصار محبت مهاجرین را شیوه خود سازد و از  
کینه و عداوت و طعن و لشنع آنها دور بوده شب و روز

دعای مغفرت در حق آنها خوانده تا در زنده قسم  
مخور شود **بِأَقْوَلِهِ تَعَالَى وَالَّذِينَ**

**جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ** ترجمه و فی برای کسانی که

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ست که اندند بعد مهاجرین و انصار میگویند **قَوْلُهُ تَعَالَى**  
**رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ**  
ترجمه ای پروردگارا ما و برادران ما را که ما را پیش  
کردند از ما با ایمان **قَوْلُهُ تَعَالَى وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا**  
ترجمه و کارگردان در و لهائی ماکنه و عذادت برای کسیکه  
ایمان آوردند یعنی در حق صحابه و عیالی خیر میکند و میگویند  
که حق تو در و لهائی ما را از کینه صحابه پاک ساز و **قَوْلُهُ تَعَالَى**  
**رَبَّنَا إِنَّكَ سَمِيعٌ غَنِيٌّ** ترجمه ای پروردگارا شنیدار  
مهربان و رحمت کننده هستی بر ما و عیالی ما یا ان راجع  
فرما از حق این ثابت شد که در حق صحابه و عیالی خیر  
باید نمود و کینه را یکسو باید نهاد و هیچ وجهی زبان دراز  
نباید کرد تا در زحره این اسلام محسور گردد و اگر نه از  
برقیه مسلمانان خارج می شود لغو ذبانه من عذرا  
الله این است بنهای نهی اهل سنت و جماعت و محمد  
سجانه این بنیاد نهی رسوخ است که اگر تمام حق و نسب

جمع شده خوانند که این بنا را بد کنند و حس دهند  
 نتوانند کرد چه چشمت این بنا الگاه متصور کرد که  
 چنانچه اهل سنت بر ایمان مهاجران و انصار و غیره  
 صحابه پسید ابرار ایات بنیات و لصوص محکمت  
 قائم گردند و شاکس شیاطین را بوجهی دفع کردند  
 که تنها غیر مشور اکت و اثری از آن نماند مخالفان  
 هم اگر بود و عوی خود صادق اند همین منطقیات  
 محکمت را که تا ویران ریان راه نبود بکفر و نفاق  
 جمع مهاجرین و انصار قائم کنند الگاه بحث و کلهکوی  
 کتاب و سوال و جواب علمی لکار برند و گرنه غیب  
 زبان درازی کردن ایات و لصوص را الکار نموده  
 برای خویشش دوزخ خریدار قسم سوم گمانان  
 خارج می شوند و خود معلوم است که در قرآنی است  
 هم بر کفر و نفاق مهاجرین و انصار بود و چگونه  
 این معنی صورت بندد کسانی را که حق تعالی جایجا مدح

و سنائب بیان نموده باشد و ایمان و تقوی و جهاد و  
و غیره اعمال صالحات ایشان ذکر کرده باشد <sup>و کلام</sup>  
و کلام <sup>و کلام</sup> **عَدَى اللّٰهُ بِالْحَسَنِی** بوده است و  
شهادت مخلوق و صحت و ثبات را <sup>نعم مفید داده</sup>  
باشد باینچه طور اظهار کافر و منافق گوید سعادته  
من الکفر و النفاق پس ظاهر شد که بنیای مذنب  
بنا بر عقین بر آیات قرآنی نیست <sup>بکلیت</sup> بقصه های  
و آیات عقلی است و قرآن کذب و منطل ان  
قصه ها و مطمئن ان خیالات <sup>معلوم</sup> است پس  
شد که مذنب ایشان مذنب است <sup>بیت</sup> چرا که  
مذنب اهل بیت خلاف قرآن نباشد و معلوم  
شد که مذنب اهل بیت <sup>بیت</sup> مذنب است  
است که موافق قرآن است و اگر هنوز هم تراوسه  
باقی ماند بنوجه ایام <sup>بیت</sup> العابدین علی بن حسین  
علیه السلام و علی ابانه <sup>بیت</sup> کرامه <sup>بیت</sup> کلامه که نزد

شیرین



شیعہ معبر و معمول است کہ می فرمایند من زین  
 العابدین علیہ السلام اللهم و اثناع الرسل و  
 فصل قلوبکم من اهل الارض بالعبید عند  
 معارفہ المعانین لکم فالتکلیف الی  
 سنیان الی امر سئلین بحقائق الایمان  
 علی کل دهر و زمان امر سئل فیہ رسول  
 واقمت راجلہ فملا من لربنا الایمان الی  
 محمد صلی اللہ علیہ وسلم من املت  
 المهری وفادت اهل التقوی علی  
 جمیعہم والسلام فما ذلکم منک بمعرفت و صبر  
 حاصل این عبارت است که خدا یا اصحاب جمع پیران  
 را که در وقت کذب کفار و صدیق انبیا نمودند  
 و ایمان به انبیا آوردند با و کن بمعرفت و رضوان  
 و چون اصحاب محمد صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم بر اصحاب  
 جمیع پیغمبران فضیلت دارند چنانچه این حضرت

صلى الله عليه وآله وسلم سيد المرسلين است اصحاب  
اوست و اب اصحاب جمع بنامبران اید در حق  
انها دعای تخصیص می فرمایند و آیه **اللَّهُمَّ وَاصِحَابِ**  
**مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَخَصَّصْ لِي** ترجمه خدا یا  
علی الخصوص اصحاب محمد را صلی الله علیه وآله وسلم  
لوارش فرما و یا و معصرت در رضوان سماوی  
در مقام مدح صحابه اید می فرمایند و آیه **الَّذِينَ**  
**أَحْسَنُوا الْقَضِيَّتْ نَزَلْنَا نَاكَ نَبِكَ كَرَدْنَا**  
صحت بنامبران را در حق صحبت بجای آورده اند **الضَّالِّينَ**  
**فِي الزَّبَانِ أَلَمْ نَجْعَلِ لَكَ حَسَنِي فِي الصُّورَةِ** ترجمه  
و انا که دادند عطای نیک را و حضرت آن حضرت  
صلى الله عليه وآله وسلم و له و كالتفه ترجمه و در بیان  
خود گرفتند و از شر اعدا محافظت نمودند آن  
حضرت **صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ** بر اوله و استر عوا  
**إِلَى وَفَاتِكَ** ترجمه و زود دعوت او را

قبول نمودند و آیه و استخار بوالله و حیث  
 استخار در حجت سبب ترجمه و اجابت کردند  
 و قبول نمودند چون شنو اندایشان را حجت  
 رسالت خود که قرآن است و آیه و تفارق الا  
 شرا ح و الا و لا در فی اظهرها سر کلمتیه و کذا شد  
 زمان و پسران خود را در ظاهر کردن کلمه و درین  
 آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم یعنی سبب  
 شان برای خدا و برای الهیار کردن کلمه اسلام  
 بودند برای طبع دنیا و غیره و قاتلوا الایاء و الا  
 بناء فی مثبت نبوت و انتصر فی ایه  
 ترجمه و جنگ و جدل کردند با پسران و پسران خود  
 در محکمها خشن نبوت او و غالب آمدند بر کفار  
 بسبب نصرت آن حضرت ۴ در خدمت او  
 هرگز ادین و عقل باشد بی روی محضی بخوبی تا آنکه این  
 همه اوصاف جمع صحابه اندازد مهاجرین و انصار

همه تا حمایت و نصرت کرده اند و به پدران و برادران  
خود جنگیده اسلام را فوجی ساخته اند و در هر محله  
و عرواق حاضر بودند و نصرت بر اعدای دین  
حاصل نموده اند و فقط چند کسی جانیز و الم در راه  
و غیره تمام جنگها را فتح نموده اند و تمام کفار کشته  
غلبه حاصل نه نموده اند بلکه در عروه مدرسه صد  
و سیصد کس در راه دراز کرد و در چنین دوازده  
هزار و در بنوک سه هزار و همچنین در اکثر عروات  
هزاران صحابه را می بودند و همه آنها نصرت و حمایت  
میکردند و همه را علیه وقت دست میداد پس  
ثابت شد که مذهب امام زین العابدین این مذهب  
مغفور و بهشتی و لایق صلح و شهادت است پس برای  
مذهب مخالفین که صحابه را در چندین حصر میکنند  
از هیچ برکنند شد و ظاهر شد که این قول اهل سنت  
نیت بیک و سوء شیطان است که از آن پناه

۱۱ بخدای باید حجت الصواب و کما لفظ منطوق است  
علی حکمت ترجمه دانا که بودند محمده بر محبت سرور  
یعنی عاشق جمال او بودند ایضا چون تجارت  
لن تیسری مؤدبانه ترجمه امده و او بودند  
سو دای را که زبان نذار یعنی همه اصحاب آن  
حضرت ۴ دوستی آن حضرت هر برای آخرت  
اختیار کرده بودند و این دوستی ایشان را الله  
سودمند خواهد بود و نه موجب خسارت و لکن  
لن تحبهم العشاء اذ تعلقوا بغربته  
ترجمه دانا که ننگ داشتند و ترک کردند آنها را قبله  
ما می شان چون دست زبند حلقه بدایت سرور  
ایضا و انفتحت منبرهم القراآت اذ تسكنوا  
فی ظل قرابته ترجمه و نیست  
و ما بودت از اینان رسته های قرابت چون  
ساکن شدند در سایه قرابت آن حضرت ۴

یعنی چون صحابه با آن حضرت صلی الله علیه و آله وسلم  
ایمان آوردند و بخدمت وی گمراستند خاتم کفار  
برای عداوت آنها برخاستند در شتمه های فراوان  
قطع کردند **قَالَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكُفَّارِ**  
**كُلُّ الْكَاذِبِ وَكُلُّ نَجَسٍ** فراموشی مکن  
در حق صحابه خدایا آنچه ترک کردند برای تو و در راه تو یعنی  
جزای سحرت و لغزت ایشان البته عنایت فرما **اللَّهُ**  
**وَاسْتُرْهُمْ مِنْ رِيضَتِكَ** و بخواستن خود ساز  
و راضی کن ایشان را از رضوان و بخواستن خود  
**وَلَهُ وَمَا أَحْسَنُ مَا يَخْلُقُ عَلَيْكَ** ترجمه علیک و جزا  
ده ایشان را بسبب آنکه جمع کردند خلق را بر تو و **لَهُ**  
**وَكَانَ لِقَامِهِمْ** **لَكَ دَعَاءُ لَكَ** ترجمه  
و بودند آنها همراه رسول تو صلی الله علیه و آله وسلم  
خوانندگان تها لصا برای تو و بطرف تو یعنی چنانچه  
خود را صحت آنحضرت ص کامل شده بودند **اللَّهُ**

۱۸ ویکران هم بطرف خدا میخوانند و بسیار کسان  
را جمع کردند بر دین اسلام یعنی سزای مرد و زن  
بسوی آنها در حلقه اسلام آمدند اگر کسی طالب  
قرآن در راه اهل بیت خواند بود درین مقام تامل  
شود و بالفور توبه از ویست شیطان نموده بره  
قرآن خواند آمد جمع کنندگان خلق بر دین اسلام  
همه صحابه بودند هم در جناب آن حضرت و هم  
بعد وفات آن حضرت هر آنکه صرف بود در شمار  
با چند کس دیگر در تمام بلاد و کفر میکردند و تمام خلق خدا  
را تعلیم دادند و می کردند کسی احمق هم این سخن گوید  
چه جای کسی که دعوی علم قرآن داشته باشد و اولی  
شکرتیم علی بجزیم فیکادیا بر قوفیم ترجمه  
و فراده ایشان را بر سیرت کردن ایشان در  
راه نوشتند همی قوم خود را الصبا و خرد و هم  
سَعَتِ الْمُعَانِسِ إِلَىٰ صَيْقِلِهِ ترجمه

جزاوه بر بیرون شدن سنان از فراخی محاش  
 خود بقوی نسکی آن یعنی بکرت از خانه نای خود  
 پیش خود کتاره کزیدند و در دیار غربت و در تنگی  
 عیش افتادند الصلوة فمن کثرها فی اعزاز  
 دینک من مظلومهم ترجمه واحسان کن آن  
 کس که بسیار کنوی بوی و آنها مطیعان خود را در  
 عزیز ساختن دین او از مظلومان صحابه یعنی مهاجرین  
 اول مظلوم بودند بعد از آن که بکرت گروند و  
 جهاد و دفع شد دین به سبب آنها غالب گشت  
 و بسیار مردمان مسلمانان شدند ایضا اللهم  
 و اول صل الی التابعین لهم باحسان اللهم  
 یت یعولون سر تبتا عقر لیا اول لا خو اننا الین  
 ترجمه خدا یا و ترسایان به بیرون صحابه که نه سکی  
 بیرونی آنها گزیدند آنها اختیار نمودند بهترین جزا  
 توان نامحسین میگویند خدا یا بیامر رفا را و برادران

ترجمه صحابه که در جهاد کشته شدند



ما را که سفت کرده اند ایها ممان یعنی در حق صحابه دعا  
 خیر و مغفرت می کنند این کلام امام ۴ اشارت  
 است با اینکه قسم سوم از مسلمانان همان کسانی  
 که در حق صحابه دعا می کنند پس ثابت شد که  
 موافق قرآن و موافق بدین آیه است و عیبت  
 تابعان صحابه اند که در حق آنها دعا خیر میکنند و گفته  
 کسی از آنها ندارند و دعا حضرت سجاد علیه  
 السلام چرباره مغفرت ایشان است پس ایشان  
 متفق و فرقه ها چه اند نه مخالفان ایشان باز

شنو که امام ۴ در مدح تابعین چه میفرماید الصَّ  
 الَّذِينَ قَصَدُوا سَمْتَهُمْ

ترجمه این تابعین که قصد کردند جهت و راه صحابه را  
 الصَّ وَالْحَرْدِيُّ فِي الْحَلْمِ ترجمه و قصد

نجات ایشان کرده و دیده و دیده بر راه ایشان  
 رفتند الصَّ وَالْحَرْدِيُّ عَلَى بِنَا كَلِمَتِهِمْ ترجمه

و رفتند بر طریقه و مذیب صحابه و لکن گفتند  
 رَبِّكَ فِي بَصِيرَتِهِمْ ترجمه بار کرد این تا بعین  
 بی شک در بصیرت صحابه یعنی شک نکردند و را که  
 صحابه بر هدایت اند و بر بصیرت و روشنای الهی  
**وَلَمْ يَخْلَجْ لَهُمُ الشَّكُ فِي قُلُوبِهِمْ**  
 ترجمه همانا نگردد و تجلید ایشان را شک در متابعت  
 و پیروی ایشان صحابه یعنی آثار صحابه را و بر حق دانسته  
 متابعت آنها کردند و در حق بودن شک نیاوردند  
**وَلَوْ اَلَّا اَتَمَّامُ بَرَكَاتٍ مَّبَارَكَةٍ**  
 ترجمه و شک نکردند و بر اتمه کردن هدایت روشنای  
 صحابه یعنی صحابه را بر هدایت دانسته اقتدای آنها  
 نمودند و در مکالمات و مواضعین کفر  
 ترجمه ان تا بعین حمایت کنندگان و اعانت کنندگان  
 صحابه اند یعنی اگر کسی ملحق با کراه بحدایت پاک صحابه  
 طعن کند این تا بعین جواب شافی او را و در کینند و

جسم تا بند ازین لفظ تمام و ساوس شیطانی  
 که مخالفان بر صحابه اهمیت می کنند باطل شدند و  
 معلوم شد که طعن در حق ایشان کار مسلمانان  
 نیست بلکه شیوه اهل اسلام جواب در وطنه  
 های صحابه است و شک نیست که این و حلقه  
 شیوایی اهل سنت در هیچ فرقه یافته نمی شود و  
 بلکه روافض هزاره طعن یکمان فاسد نمود  
 بجانب این پاگان نسبت می کنند و همچنین خوارج  
 ضد اهل بیت معلوم شد که فرقه ناجیه اهل سنت  
 اند نه مخالفان شان هوالمطلوب القیادین

ترجمه

بیل نهم

اعتقاد و میدارند آن تابعین به دین صحابه و له و نهند و  
 بدین ترجمه و راه میر و بعد پراه صحابه و که استفقو  
 علیه ترجمه اتفاق دارند بر صحابه  
 یعنی بر حمایت و نصرت صحابه متفق اند هر که

بی دین شیطان و آرزو بر صحابه شده اند از  
او را جواب میدهند و میرانند که **وَلَا يَسْتَفْهِمُونَ**  
**فِيمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ حَقِّهِمْ** و نهمت می  
کنند و در صحابه را در خبریکه او اگر در مورد رسالت  
از احکام دین و احادیث پیغمبر صلی الله علیه  
و آله و سلم بدیشان یعنی صحابه را صادر است  
تمام روایات احادیث از ایشان قبول کرد  
بر آن عمل میکنند پس ثابت شد احادیث  
کتابهای اهل سنت که از اهل بیت و صحابه مروی  
ست معتبر و مقبول است و مذکور است حضرت امام  
زین العابدین علیه السلام فرمودند که روایات  
شیعه و خوارج که از صحابه مروی نیستند نزد امام  
زین العابدین کذب افترا است و اگر در بعضی  
روایات شیعه نسبت به بعضی اهل بیت یا بعضی  
صحابه کنند چون آن روایات مخالف قرآن

و مخالف بنده حضرت زین العابدین ۴ برید ۲۱  
ظاهر شود که نه آن قول اهل بیت است و نه قول  
صحابه بلکه کدام مفسری و کذاب بر امامیه ظاهر  
افترا کرده است پس بقول امام زین العابدین  
تمام روایات و کتب شیوه باطل و افترا  
اهل اسلام و مجتهدان قرآن و اهل بیت را از آن  
کناره گرفتن فرض عین است ای مومن طالب  
بخات آنچه مذکور شد از کلام الهی و کلمات  
حضرت سید اگر کسی طالب راه حجت باشد  
یک کلمه از آنها در حق او کفایت است و اگر سعادت  
از لی نصیب او شد و بکلم ختم الله علی قلوبهم برگز  
خود ثابت باشد او بسبب انکار قرآن برای خود رخ  
خرید کرد او را گنجهت کردن در طریق مسلمانان چه  
سود خواهد داد و البته الهامی علی منت تا بحیر و  
انوار کرمه اعتمادی سبحان رب العزت

عالمون و سلام على المرسلين والحمد لله

رب العالمين . مت باكر والواقف بركته

٤٩  
سبح بوسيله النجات هر روز چهارشنبه

جماد الثاني ١٢٧٤ هـ الامام ابي بكر خاتم النبيين

موريات

